ساخت ۳۴ کتابخانه با مالیات مؤدیان؛ ۲۱ کتابخانه جدید در راه است



رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور از ساخت ۳۴ کتابخانه با مشارکت مؤدیان در دو سال گذشته خبر داد و گفت: احداث ۲۱ کتابخانه جدید با اعتبار بیش از ۲۶۱ میلیارد تومان برای امسال پیش‌بینی شده است. سید محمدهادی سبحانیان اظهار کرد: کتابخانه‌ها از مهم‌ترین زیرساخت‌های فرهنگی و آموزشی هر جامعه به شمار می‌روند و دسترسی به آن‌ها به‌ویژه در مناطق کمتر برخوردار می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای سطح آگاهی عمومی، تقویت مهارت‌های یادگیری و گسترش عدالت فرهنگی باشد. در همین راستا طرح نشان‌دار کردن مالیات با فراهم کردن امکان انتخاب محل هزینه کرد مالیات، ظرفیت تازه‌ای برای مشارکت مؤدیان در توسعه فضاهای فرهنگی کشور ایجاد کرده است. وی افزود: با اجرای این طرح در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ و با مشارکت ۷ هزار و ۷۲۴ مؤدی مالیاتی ۳۴ کتابخانه در نقاط مختلف کشور با اعتباری بیش از ۲۸۶ میلیارد تومان احداث شده است. این آمار نشان می‌دهد مشارکت مالیاتی می‌تواند فراتر از تأمین هزینه‌های جاری و پروژه‌های زیرساختی در گسترش امکانات فرهنگی و فراهم کردن بستر مطالعه برای اقشار مختلف جامعه نیز نقش‌آفرین باشد. بر اساس اعلام سازمان امور مالیاتی کشور، سبحانیان در ادامه به تداوم مسیر کتابخانه‌سازی با مشارکت مؤدیان اشاره کرد و گفت: این مسیر در سال ۱۴۰۵ نیز ادامه دارد و احداث ۲۱ کتابخانه با اعتباری بیش از ۲۶۱ میلیارد تومان برای امسال پیش‌بینی شده است.

ثبت سرمایه گذاری بیش از ۲ هزار همتی در بخش مسکن در سال ۱۴۰۳



مرکز آمار ایران از سرمایه‌گذاری بیش از ۲ هزار همتی برای احداث بیش از ۲۳۶ ساختمان در سال ۱۴۰۳ خبر داد. به گزارش تجارت، مرکز آمار ایران اعلام کرد: از کل ساختمان‌های احداث شده در سال ۱۴۰۳ تعداد ۲۱۰ هزار و ۳۳۹ ساختمان معادل ۸۹.۱ درصد مربوط به ساختمان‌های مسکونی، ۱۴ هزار و ۶۰۲ ساختمان معادل ۶.۲ درصد مربوط به ساختمان‌های مسکونی و غیرمسکونی توأم، ۱۱ هزار و ۱۲۳ ساختمان معادل ۴.۷ درصد مربوط به ساختمان‌های غیرمسکونی بوده است.
بررسی نتایج طرح آمارگیری از سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان در نقاط شهری کشور نشان می‌دهد: – در سال ۱۴۰۳ از تعداد ۲۳۸ هزار و ۳۴۸ کارگاه فعالیت ساختمانی فعال، تعداد ۲۳۶ هزار و ۶۴ معادل ۹۹ درصد کارگاه‌ها مربوط به احداث بنا و ۲۲۸۳ معادل یک درصد کارگاه‌ها مربوط به افزایش بناست.
– از تعداد ۲۳۶ هزار و ۶۴ کارگاه فعالیت ساختمانی مربوط به احداث بنا، تعداد ۱۹۵ هزار و ۹۷۹ کارگاه معادل ۸۲.۲ درصد مربوط به ایجاد بنای جدید و ۴۰ هزار و ۸۶ کارگاه معادل ۱۶.۸ درصد مربوط به تجدید بنا بوده است.
– همچنین از کل کارگاه‌های فعالیت ساختمانی فعال تعداد ۴۰ هزار و ۲۵۱ کارگاه معادل ۱۶.۹ درصد فعالیت ساختمانی خود را تکمیل کرده و تعداد ۱۹۸ هزار و ۹۷ کارگاه معادل ۸۳.۱ درصد دارای فعالیت ساختمانی نیمه‌تمام در حال انجام است.
– طبق نتایج حاصل از طرح، بخش اعظم از ۲۳۶ هزار و ۶۴ ساختمان احداث شده، مربوط به ساختمان‌های مسکونی است.

عقب‌نشینی نرخ سود بین‌بانکی؛

نقش دالان سود در نوسان بازار پول

نرخ سود بین‌بانکی در هفته منتهی به ۲۱ آبان به ۳۳.۷۹ درصد کاهش یافت؛ تعدیلی محدود که برای تفسیر آن باید دالان سود و وضعیت نقدینگی بانک‌ها را دید.
نرخ سود بازار بین‌بانکی در هفته منتهی به ۲۱ آبان ۱۴۰۵، پس از افزایش قابل توجه هفته قبل، با کاهش ۰.۱۳ واحد درصدی به ۳۳.۷۹ درصد رسید. این نرخ در هفته منتهی به ۱۴ آبان، پس از دوره‌ای از ثبات، به ۳۳.۹۲ درصد افزایش یافته بود. اکنون عقب‌نشینی محدود نرخ، بیش از آنکه نشانه قطعی آغاز روندی نزولی باشد، از تعدیل بخشی از افزایش پیشین حکایت دارد.
اهمیت این تغییر تنها در کاهش ۱۳ واحد پایه‌ای خلاصه نمی‌شود. نرخ بین‌بانکی در نقطه اتصال نیاز نقدینگی بانک‌ها، عرضه منابع کوتاه‌مدت و سیاست‌گذاری بانک مرکزی قرار دارد. بنابراین، تحلیل آن بدون توجه به ساز و کار دالان نرخ سود و شرایط دسترسی بانک‌ها به منابع، می‌تواند به برداشت‌های ناقص درباره وضعیت بازار پول منجر شود.



▪ کاهش نرخ؛ تعدیل فشار یا نوسانی کوتاه‌مدت؟

بازار بین‌بانکی محل تأمین منابع کوتاه‌مدت میان بانک‌هاست. بانک‌ها برای تسویه پرداخت‌ها و ایفای تعهدات روزانه خود به ذخایر نزد بانک مرکزی نیاز دارند. در جریان این فعالیت‌ها، برخی با مازاد منابع و برخی با کسری مواجه می‌شوند. معاملات میان این بانک‌ها امکان جابه‌جایی منابع را فراهم می‌کند و نرخ سود آن، بهای تأمین نقدینگی کوتاه‌مدت را نشان می‌دهد.
افزایش تقاضا برای ذخایر یا کاهش عرضه آن‌ها می‌تواند نرخ بین‌بانکی را بالا ببرد. در مقابل، افزایش منابع قابل عرضه یا کاهش نیاز بانک‌ها به استقراض، زمینه افت نرخ را فراهم می‌کند. بااین حال، این رابطه را نباید جدا از تصمیمات بانک مرکزی بررسی کرد؛ زیرا تغییر نرخ‌های سیاستی و نحوه تأمین ذخایر نیز بر قیمت معاملات اثر می‌گذارد. بر این اساس، افزایش نرخ به ۳۳.۹۲ درصد در هفته منتهی به ۱۴ آبان را نمی‌توان صرفاً به تشدید کمبود نقدینگی نسبت داد. برای چنین نتیجه‌ای باید مشخص باشد چارچوب نرخ‌های سیاستی چه تغییری کرده، حجم معاملات چقدر بوده و بانک مرکزی چگونه در بازار مداخله کرده است. افزایش نرخ ممکن است حاصل ترکیبی از این عوامل باشد. کاهش نرخ به ۳۳.۷۹ درصد نیز نشان می‌دهد قیمت معاملات بین‌بانکی نسبت به هفته قبل تعدیل شده، اما علت دقیق این تعدیل از خود نرخ قابل استخراج نیست. کاهش تقاضای منابع، افزایش عرضه ذخایر یا تغییر ترکیب معاملات از جمله توضیح‌های احتمالی‌اند؛ توضیح‌هایی که تأیید هر کدام به اطلاعات تکمیلی نیاز دارد. همچنین نرخ اعلام‌شده، تصویر یکسانی از وضعیت تمام بانک‌ها ارائه نمی‌دهد. ممکن است برخی بانک‌ها منابع کافی داشته باشند و برخی دیگر، به‌دلیل محدودیت اعتباری یا کمبود وثیقه، با دشواری بیشتری تأمین مالی کنند. ازاین‌رو، افت میانگین نرخ الزاماً به معنای بهبود شرایط همه اعضای شبکه بانکی نیست و نباید معادل رفع ناترازی تلقی شود.

▪ کف و سقف دالان چگونه نرخ بین‌بانکی را هدایت می‌کنند؟

دالان نرخ سود چارچوبی است که بانک مرکزی با تعیین نرخ سپرده‌گذاری و نرخ تأمین نقدینگی قاعده‌مند ایجاد می‌کند. این دو نرخ، گزینه‌های جایگزین بانک‌ها برای نگهداری منابع مازاد یا جبران کسری را مشخص می‌کنند و از این مسیر بر نرخ معاملات بین‌بانکی اثر می‌گذارند. دالان، ابزار هدایت نرخ است، نه صرفاً یک‌محدوده آماری. کف دالان معمولاً نرخ سپرده‌گذاری بانک‌ها نزد بانک مرکزی است. بانکی که منابع مازاد دارد، بازده این گزینه را با بازده قرض‌دادن به بانک دیگر مقایسه می‌کند. اگر امکان سپرده‌گذاری نزد بانک مرکزی فراهم باشد، معمولاً انگیزه‌ای ندارد منابعش را با نرخی پایین‌تر در بازار عرضه کند؛ به‌ویژه آنکه معامله با بانک دیگر می‌تواند ریسک بیشتری داشته باشد. سقف دالان معمولاً نرخ اعتبارگیری قاعده‌مند از بانک مرکزی است. بانک دارای کسری، در صورت برخورداری از شرایط لازم و وثیقه معتبر، می‌تواند از این مسیر منابع دریافت کند. بنابراین، معمولاً استقراض با نرخی بالاتر از هزینه این گزینه برایش توجیه ندارد. همین امکان، فشار بر نرخ بازار را در نزدیکی سقف مهار می‌کند. در شرایط عادی، نرخ بین‌بانکی میان کف و سقف قرار می‌گیرد، اما لزوماً در میانه دالان تثبیت نمی‌شود. فراوانی ذخایر می‌تواند آن را به کف نزدیک کند و افزایش تقاضای ذخایر، با فرض ثابت‌بودن سایر شرایط، می‌تواند نرخ را به سمت سقف ببرد. جایگاه نرخ به چارچوب اجرایی سیاست پولی نیز وابسته است. بااین‌حال، دالان مرزی کاملاً غیرقابل‌عبور نیست. محدودیت دسترسی به تسهیلات بانک مرکزی، کمبود وثیقه یا تفاوت شرایط بانک‌ها ممکن است معاملاتی خارج از آن ایجاد کند. به همین دلیل، بدون اطلاع از نرخ‌های معتبر کف و سقف در دوره مورد بررسی، نمی‌توان صرفاً از عدد ۳۳.۷۹ درصد نتیجه گرفت نرخ بازار دقیقاً چه فاصله‌ای با حدود دالان دارد. بانک مرکزی علاوه بر تعیین این حدود، از طریق عملیات بازار باز بر میزان ذخایر اثر می‌گذارد. تزریق منابع، از جمله از مسیر توافق باز خرید اوراق بهادار، می‌تواند فشار صعودی نرخ را کاهش دهد؛ جذب منابع نیز می‌تواند از افت آن جلوگیری کند. در نتیجه، تحلیل تغییرات هفتگی باید هم قیمت منابع و هم مقدار و شرایط عرضه آن‌ها را در بر بگیرد.

▪ پیام کاهش اخیر برای تأمین مالی و سیاست پولی چیست؟

کاهش ۰.۱۳ واحد درصدی نرخ بین‌بانکی به معنای ارزان‌شدن محسوس اعتبار در اقتصاد نیست. این تغییر، در وهله نخست، به بازار منابع کوتاه‌مدت بانک‌ها مربوط می‌شود. انتقال اثر آن به نرخ تسهیلات، تصمیم‌های اعتباری و هزینه تأمین مالی بنگاه‌ها، به استمرار تغییر و شرایط ترازنامه بانک‌ها وابسته است و معمولاً فوری اتفاق نمی‌افتد. هزینه تجهیز سپرده‌ها، ریسک اعتباری مشتریان، مطالبات غیرجاری، وضعیت سرمایه و الزامات نظارتی نیز بر رفتار بانک‌ها اثر دارند. بنابراین، حتی در صورت تداوم کاهش نرخ بین‌بانکی، نمی‌توان انتظار داشت نرخ همه تسهیلات به همان میزان پایین بیاید. همان‌طور که افزایش نرخ بین‌بانکی نیز به‌تنهایی برای توضیح تمام تغییرات هزینه اعتبار کافی نیست. از منظر سیاست پولی، تمایز میان «کاهش نرخ بازار» و «تغییر جهت سیاست‌گذار» اهمیت دارد. افت هفتگی ممکن است در چارچوبی با نرخ‌های سیاستی ثابت رخ دهد و صرفاً حاصل تغییر شرایط ذخایر باشد. برای سخن گفتن از چرخش سیاست پولی باید تصمیمات بانک مرکزی، نرخ‌های دالان و عملکرد عملیات بازار باز هم‌زمان بررسی شوند. در هفته‌های آینده، استمرار کاهش نرخ، حجم معاملات و میزان استفاده بانک‌ها از منابع بانک مرکزی اهمیت خواهد داشت. کاهش پایدار هزینه استقراض، همراه با بهبود دسترسی بانک‌ها به ذخایر، می‌تواند نشانه روشن‌تری از تعدیل فشار باشد. در مقابل، بازگشت نرخ به مسیر افزایشی، ضرورت بررسی دوباره شرایط عرضه و تقاضای منابع را برجسته خواهد کرد.

تفاوت پایه پولی و نقدینگی؛

پول چگونه در اقتصاد ایجاد و زیاد می‌شود؟

پایه پولی و نقدینگی یکی نیستند؛ اولی پول ایجادشده توسط بانک مرکزی است و دومی پول نقد و سپرده‌های مردم که بانک‌ها نیز در افزایش آن نقش دارند. به گزارش خبرنگار مهر، پایه پولی و نقدینگی از اصطلاحات پرتکرار در خبرهای اقتصادی هستند؛ دو مفهومی که گاهی به‌جای یکدیگر به کار می‌روند، در حالی که معنای متفاوتی دارند. شناخت تفاوت آن‌ها کمک می‌کند روشن شود پول چگونه ایجاد می‌شود، بانک مرکزی و بانک‌ها چه نقشی در این فرایند دارند و چرا افزایش نقدینگی لزوماً به معنای چاپ اسکناس نیست.
برای درک موضوع می‌توان از یک تفاوت ساده شروع کرد: پولی که مردم در حساب‌های بانکی خود دارند، بخشی از نقدینگی است؛ اما تمام این موجودی، اسکناس چاپ‌شده یا پول نگهداری‌شده نزد بانک مرکزی نیست. بخش بزرگی از پول مورد استفاده در اقتصاد، به شکل سپرده بانکی وجود دارد و از طریق انتقال میان حساب‌ها خرج می‌شود.

▪ پایه پولی؛ پول بانک مرکزی و ذخایر بانک‌ها

پایه پولی به پولی گفته می‌شود که بانک مرکزی ایجاد می‌کند و شامل دو بخش اصلی است: اسکناس و مسکوک در دست مردم و ذخایر بانک‌ها. منظور از بخش نخست، پول نقدی است که بیرون از بانک‌ها در اختیار خانوارها و کسب‌وکارها قرار دارد؛ مانند اسکناسی که فرد در کیف خود نگه می‌دارد یا پول نقد موجود در صندوق یک فروشگاه.
بخش دوم، ذخایر بانک‌هاست که موجودی نقد آن‌ها و سپرده‌هایشان نزد بانک مرکزی را در بر می‌گیرد. بانک‌ها برای انجام تعهدات، تسویه پرداخت‌ها و پاسخ‌گویی به برداشت مشتریان به این منابع نیاز دارند. بخشی از سپرده بانک‌ها نزد بانک مرکزی، ذخیره قانونی است؛ یعنی مبلغی که طبق مقررات باید نگهداری شود. بانک‌ها ممکن است بیشتر از میزان الزامی نیز ذخیره داشته باشند. بنابراین، موجودی حساب یک شهروند در بانک با موجودی بانک نزد بانک مرکزی تفاوت دارد. اولی سپرده مشتری و بخشی از نقدینگی است؛ دومی ذخیره بانک و بخشی از پایه پولی محسوب می‌شود. همین تفاوت، یکی از کلیدهای فهم رابطه میان این دو شاخص اقتصادی است. پایه پولی را «پول پرقدرت» نیز می‌نامند؛ زیرا پشتوانه عملیاتی پرداخت‌ها و فعالیت اعتباری شبکه بانکی است. بااین‌حال، این نام به معنای آن نیست که هر افزایش پایه پولی، الزاماً با نسبتی ثابت به افزایش نقدینگی منجر می‌شود. بانک مرکزی از مسیرهای مختلف می‌تواند پایه پولی ایجاد کند. برای مثال، پرداخت وام به بانک‌ها، خرید دارایی از آن‌ها یا خرید ارز در برابر ایجاد ریال، می‌تواند پایه پولی را افزایش دهد. تأمین مالی دولت از بانک مرکزی نیز ممکن است چنین اثری داشته باشد. در گزارش‌های اقتصادی، از دارایی‌های خارجی بانک مرکزی، مطالبات آن از بانک‌ها و خالص مطالبات از بخش دولتی نیز صحبت می‌شود. این اقلام به توضیح منشأ تغییرات پایه پولی کمک می‌کنند، اما نباید آن‌ها را با اجزای پایه پولی اشتباه گرفت. به بیان ساده، یک پرسش این است که پایه پولی از چه تشکیل شده و پرسش دیگر اینکه چرا افزایش یا کاهش یافته است.

▪ نقدینگی؛ مجموع پول و سپرده‌های مردم

نقدینگی در تعریف رایج آمار پولی ایران، از مجموع «پول» و «شبه‌پول» تشکیل می‌شود. این تعریف، هم پول نقد در دست مردم و هم سپرده‌های مشمول آمار نقدینگی را در بر می‌گیرد؛ بنابراین دامنه آن با پایه پولی متفاوت است.
بخش «پول» شامل اسکناس و مسکوک در دست مردم و سپرده‌های دیداری است. سپرده دیداری، مانند موجودی حساب جاری، برای پرداخت در دسترس قرار دارد. وقتی فردی از حساب جاری خود وجهی منتقل می‌کند یا چک می‌کشد، از این بخش نقدینگی استفاده می‌کند. «شبه‌پول» شامل سپرده‌هایی مانند پس‌انداز قرض‌الحسنه و سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و بلندمدت است. این منابع بیشتر برای نگهداری پس‌انداز استفاده می‌شوند و برای خرج کردن، باید برداشت یا به موجودی قابل پرداخت تبدیل شوند. البته سرعت و شرایط دسترسی به انواع این سپرده‌ها یکسان نیست. در نتیجه، نقدینگی فقط پولی نیست که همین حالا در کیف افراد قرار دارد. بخش مهمی از آن، اعدادی است که به‌عنوان موجودی سپرده در حساب‌های بانکی ثبت شده است. این سپرده‌ها برای صاحبانشان دارایی و برای بانک‌ها تعهد به پرداخت محسوب می‌شوند. در مقابل، خانه، زمین، سهام، طلا و ارز خارجی مردم، با وجود ارزش اقتصادی، مستقیماً جزو نقدینگی ریالی نیستند. اگر فردی خانه خود را بفروشد، معمولاً سپرده‌ای از حساب خریدار به حساب فروشنده منتقل می‌شود. بنابراین، صرف خرید و فروش یک دارایی میان دو نفر، الزاماً نقدینگی جدیدی ایجاد نمی‌کند. نکته مهم دیگر این است که نمی‌توان پایه پولی را با سپرده‌های مردم جمع کرد و حاصل را نقدینگی نامید. ذخایر بانک‌ها در پایه پولی محاسبه می‌شوند، اما جزو نقدینگی نیستند. در عوض، سپرده‌های مردم در نقدینگی قرار دارند، ولی جزو پایه پولی محسوب نمی‌شوند. پول نقد در دست مردم، بخش مشترک هر دو شاخص است.

▪ رابطه دو شاخص؛ نقش وام‌دهی و ضریب فزاینده

برای فهم نقش بانک‌ها، فرض کنیم بانکی به یک بنگاه ۱۰۰ میلیون تومان وام بدهد و این مبلغ را به حساب آن واریز کند. در حساب‌های بانک، هم‌زمان دو اتفاق رخ می‌دهد: یک طلب از وام‌گیرنده ثبت می‌شود و یک سپرده به نام او شکل می‌گیرد. با ایجاد این سپرده، نقدینگی افزایش می‌یابد؛ بدون آنکه لازم باشد همان لحظه ۱۰۰ میلیون تومان اسکناس چاپ شود یا پایه پولی به همین مقدار بالا برود. به همین دلیل، خلق پول فقط به فعالیت چاپخانه اسکناس محدود نیست و بانک‌ها نیز با اعطای اعتبار در آن نقش دارند.



البته قدرت وام‌دهی بانک‌ها نامحدود نیست. بانک باید برای انتقال وجه به بانک‌های دیگر و برداشت مشتریان، ذخایر کافی فراهم کند. مقررات، میزان سرمایه، ریسک بازپرداخت و هزینه تأمین منابع نیز فعالیت اعتباری آن را محدود می‌کنند. در جهت معکوس، بازپرداخت اصل وام از محل سپرده، در حالت معمول باعث کاهش سپرده و نقدینگی می‌شود.
نسبت نقدینگی به پایه پولی را «ضریب فزاینده نقدینگی» می‌نامند. اگر پایه پولی در اقتصادی فرضی ۱۰۰ واحد و نقدینگی ۷۰۰ واحد باشد، این ضریب برابر هفت است؛ یعنی نقدینگی هفت برابر پایه پولی است.
با این حال، ضریب هفت به معنای آن نیست که هر واحد پایه پولی جدید، حتماً هفت واحد نقدینگی می‌سازد. این نسبت با رفتار مردم، میزان نگهداری پول نقد، ذخایر بانک‌ها، وضعیت وام‌دهی و تقاضای اعتبار تغییر می‌کند.

طی یک ماه اخیر

طلا ۲.۴ میلیون و سکه ۱۵ میلیون ارزان شد

به گفته رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران، قیمت طلای ۱۸ عیار در هفته گذشته با کاهش ۷۸۰ هزار تومانی به ۲۴ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان رسیده که بیانگر کاهش ۲.۴ میلیون تومانی نرخ این فلز گران‌بها طی یک ماهه اخیر است. همچنین سکه طی یک ماه گذشته با کاهش ۱۵ میلیون تومانی قیمت همراه بوده است. نادر بذرافشان درباره وضعیت بازار سکه و طلا در طول یک هفته گذشته، اظهار کرد: در طول هفته‌ای که گذشت تا امروز (۲۳ آبان ماه)، در بازارهای جهانی در مجموع شاهد کاهش قیمت در بازار جهانی بودیم و در کنار آن کاهش قیمت ارز و عقب‌نشینی نرخ دلار طی چند روز، تاثیر کاهشی بر قیمت طلا و سکه بر جای گذاشت؛ به طوریکه در بازار جهانی اونس طلا با کاهش ۱۸۴ دلاری طی یک هفته اخیر با ثبت رقم ۳۸۸۳ دلار به پایان هفته رفت. وی با تشریح قیمت طلا در بازار داخلی گفت: هم زمان با آغاز به کار بازار داخلی طلا و سکه در روز نخست هفته، امروز شاهد کاهش سه میلیون و ۲۵۰ هزار تومانی هر مثقال طلای ۱۷ عیار هستیم. در حال حاضر (ساعت ۱۴ و ۳۰ دقیقه) نیز هر مثقال طلا به ۱۰۷ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان رسیده و هر گرم طلای ۱۸ عیار هم با کاهش ۷۸۲ هزار تومانی، ۲۴ میلیون و ۹۱۰ هزار تومان معامله می‌شود.

▪ سکه ۲۵۴ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان

رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران گفت: در بازار سکه نیز هم‌زمان شاهد کاهش در قیمت انواع سکه طلا هستیم؛ به طوریکه هر قطعه تمام سکه طرح جدید با کاهش پنج میلیون و ۸۰۰ هزار تومانی به ۲۵۴ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان و هر قطعه تمام سکه طرح قدیم با کاهش پنج میلیون و ۹۰۰ هزار تومانی به ۲۴۶ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان رسیده است. همچنین هر قطعه نیم سکه با کاهش دو میلیون و ۸۰۰ هزار تومانی به ۱۳۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و هر قطعه ربع سکه و سکه یک گرمی بانک مرکزی بدون تغییر به ترتیب ۷۲ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان و ۳۷ میلیون تومان قیمت گذاری شده‌اند.

سرمقاله

بیماری و بیمه‌ها

ادامه از صفحه یک

برخورداری برخی صاحبان مناصب از پوشش‌ها و امکانات درمانی ویژه، اگر وجود دارد، باید با اعلام جزئیات و منابع تأمین مالی آن شفاف شود. عدالت در سلامت یعنی مردم و مسئولان از حقوق درمانی منصفانه و قابل دسترس برخوردار باشند، نه اینکه کیفیت دسترسی به درمان تابع موقعیت و جایگاه افراد باشد.
پیشنهاد می‌کنم آقای رئیس‌جمهور یک‌بار بدون تشریفات و همراهان، به‌عنوان یک بیمار عادی وارد یکی از بیمارستان‌های دولتی یا تأمین اجتماعی شود؛ در صف پذیرش بایستد، برای گرفتن نوبت تلاش کند، دارو تهیه کند و هزینه‌های درمان را بپردازد. شاید آنجا فاصله میان گزارش مدیران و واقعیت زندگی مردم را بهتر درک کند.
امروز بیمار ایرانی علاوه بر درد بیماری، باید با هفت‌خوان هزینه، دارو، نوبت، محدودیت بیمه و بروکراسی اداری دست‌وپنجه نرم کند. راهکار روشن است، شفاف‌سازی بدهی بیمه‌ها به مراکز درمانی، بازنگری در پوشش دارویی و درمانی، نظارت واقعی بر مراکز طرف قرارداد و انتشار عمومی عملکرد مالی و تعهدات بیمه‌ها.

خبر

با اعلام وزیر اقتصاد؛
تسویه زنجیره‌ای با اوراق گام و برات الکترونیک به بخش دارو و درمان رسید

وزیر اقتصاد از آغاز فرایند تسویه زنجیره‌ای مطالبات و بدهی‌های متقابل نهادهای بیمه‌گر، دانشگاه‌های علوم پزشکی، مراکز درمانی، شرکت‌های پخش دارو و تامین کنندگان دارو و تجهیزات پزشکی با طراحی سازوکاری مبتنی بر اوراق گام و برات الکترونیک خبر داد.
به گزارش تجارت از وزارت اقتصاد؛ تأمین مالی زنجیره‌ای یکی از رویکردهای توسعه ابزارهای نوین مالی برای تسهیل مبادلات اقتصادی و مدیریت جریان نقدینگی در بخش‌های مختلف اقتصاد است؛ در این شیوه، به جای اتکا به پرداخت نقدی در هر مرحله از مبادلات، از ابزارهای اعتباری برای انتقال تعهدات و تسویه مطالبات میان حلقه‌های مختلف یک زنجیره استفاده می‌شود و در شرایط فعلی کشور نیاز به اخذ تسهیلات برای پرداخت‌های نقدی هر حلقه از زنجیره را کاهش می‌دهد.
حوزه سلامت نیز به دلیل وجود ارتباطات مالی گسترده میان شرکت‌های بیمه‌ای، بیمارستان‌ها، داروخانه‌ها، شرکت‌های پخش دارو و تأمین کنندگان تجهیزات پزشکی، از جمله بخش‌هایی است که بهره‌گیری از این ابزارها می‌تواند به تسهیل گردش منابع و کاهش وقفه در پرداخت مطالبات آن کمک کند. در همین راستا، وزیر امور اقتصادی و دارایی در نود و سومین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان آذربایجان غربی، از آغاز فرایند تسویه زنجیره‌ای مطالبات متقابل در این بخش با استفاده از اوراق گام و برات الکترونیک خبر داد و اعلام کرد برای اجرای این سازوکار، سقف ۳۰۰ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده است. سیدعلی مدنی‌زاده با اشاره به وجود مطالبات متقابل میان شرکت‌های بیمه‌ای، بانک‌ها و مراکز درمانی توضیح داد که این وزارتخانه با همکاری بانک‌ها، شرکت‌های بیمه‌ای، سازمان تأمین اجتماعی، بیمه سلامت و مراکز درمانی و بیمارستان‌ها، سازوکار تسویه این مطالبات را طراحی کرده و اجرای بخش‌هایی از آن نیز آغاز شده است.

▪ تسویه زنجیره‌ای؛ راهکاری برای تسهیل گردش اعتبار

در الگوی متعارف پرداخت مطالبات، هر یک از حلقه‌های زنجیره برای دریافت منابع مالی خود به پرداخت نقدی طرف مقابل وابسته است. در چنین شرایطی، تأخیر در پرداخت مطالبات یک مجموعه می‌تواند به سایر بخش‌های مرتبط نیز منتقل شود و جریان مالی میان تأمین کنندگان کالا و خدمات را با وقفه مواجه کند.
تسویه زنجیره‌ای با استفاده از ابزارهای اعتباری، امکان انتقال تعهدات مالی میان حلقه‌های مختلف را فراهم می‌کند. به این ترتیب، مطالبات و بدهی‌های متقابل می‌توانند در چارچوب ضوابط بانکی و با استفاده از اعتبار ایجادشده، در زنجیره اقتصادی مدیریت و تسویه شوند. در حوزه سلامت، این سازوکار می‌تواند ارتباط مالی میان بیمه‌ها، مراکز درمانی، بیمارستان‌ها، داروخانه‌ها و تأمین کنندگان دارو و تجهیزات پزشکی را تسهیل کند و زمینه استفاده مؤثرتر از ظرفیت اعتباری شبکه بانکی را فراهم آورد.

▪ اوراق گام؛ ابزار بانکی برای تأمین مالی زنجیره‌ای

اوراق گواهی اعتبار مولد (گام) یکی از ابزارهای تأمین مالی زنجیره‌ای است که با ضمانت بانک صادر کننده، امکان تأمین اعتبار برای بنگاه‌ها و انتقال آن در زنجیره تأمین را فراهم می‌کند.
در این سازوکار، بنگاه بدهکار (متعهد در اوراق گام) با استفاده از اعتبار بانکی، امکان تسویه تعهدات خود را در برابر تأمین کننده کالا یا خدمات فراهم می‌کند. دریافت کننده اوراق نیز می‌تواند مطابق ضوابط مربوط، از آن برای تسویه تعهدات خود در حلقه‌های بعدی زنجیره استفاده یا در چارچوب مقررات بازار سرمایه نسبت به تنزیل آن در این بازار مالی اقدام کند.
برات الکترونیک نیز به‌عنوان یکی دیگر از ابزارهای تأمین مالی زنجیره‌ای، امکان ثبت و انتقال الکترونیکی تعهدات را فراهم می‌کند و قابلیت تنزیل در شبکه بانکی کشور را دارد. استفاده از این ابزارها در کنار یکدیگر می‌تواند به ساماندهی جریان اعتبار و تسهیل تسویه مطالبات در زنجیره‌های اقتصادی کمک کند.
در ۷ ماهه سال جاری ۷۹.۶ هزار میلیارد تومان اوراق گام و ۲۹۷.۵ هزار میلیارد تومان برات الکترونیک توسط شبکه بانکی کشور صادر شده که اوراق گام نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۴.۵ برابر و برات الکترونیک نزدیک ۱۸ برابر شده است.

▪ پشتوانه قانونی توسعه تأمین مالی زنجیره سلامت

توسعه استفاده از ابزارهای اعتباری در حوزه سلامت، در قانون برنامه هفتم پیشرفت پیش‌بینی شده است. براساس بند «ب» ماده ۷۱ قانون برنامه هفتم پیشرفت، وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف شده است با همکاری سازمان برنامه و بودجه کشور و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازوکار تسویه اعتباری سهم یارانه دولت در زنجیره تأمین دارو و تجهیزات پزشکی را از طریق اوراق گام و با محوریت بانک‌های عامل فراهم کند. این حکم قانونی، زمینه استفاده از ظرفیت نظام بانکی و ابزارهای نوین تأمین مالی را برای تسهیل پرداخت‌ها در زنجیره تأمین دارو و تجهیزات پزشکی فراهم کرده است. در همین چارچوب، توسعه سازوکارهای تسویه اعتباری می‌تواند به تقویت پیوند میان سیاست‌های مالی دولت، ظرفیت شبکه بانکی و نیازهای تأمین مالی فعالان حوزه سلامت کمک کند.